

مذاکره درباره مذاکره



گوروش احمدی

دیپلمات پیشین

ترامپ ساعاتی بعد از دریافت آخرین پیشنهاد ایران با انتشار بیامی آن را «کاملاً غیرقابل‌قبول» خوانده است. به گزارش خبرگزاری صداوسیما «ایران در پیشنهاد خود طرح آمریکا را که به معنای تسلیم ایران در برابر زیاده‌خواهی ترامپ بود، رد کرده و بر ضرورت پرداخت خسارت‌های جنگ توسط آمریکا و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، ضرورت پایان تحریم‌ها و آزادسازی اموال و دارایی‌های توقیف‌شده کشورمان تأکید کرده است.» تسنیم نیز خبر داده که «مباحثی مانند تضمین عدم تجاوز نظامی، بیرون‌بردن نیروهای نظامی آمریکا از محیط پیرامونی ایران، رفع محاصره دریایی، آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران، پرداخت غرامت، لغو تحریم‌ها و پایان جنگ در همه جبهه‌ها از جمله لبنان، ساوواکا جدید تنگه هرمز و… بخشی از مباحثی است که در پیشنهاد ۱۴ بندی ایران گنجانده شده است.» در غیاب توضیحی از جانب سخنگویان رسمی و با توجه به واکنش فوری و صریح ترامپ، چاره‌ای نیست جز اینکه محتوای پاسخ ایران را در همین حدود که رسانه‌های اصولگرا عنوان کرده‌اند، تصور کنیم.

با توجه به اینکه قاعدتا مقامات ما از قبل می‌توانسته‌اند پیش‌بینی کنند که پیشنهادی با چنین محتوایی نمی‌توانسته مورد قبول ترامپ قرار گیرد، شاید این پیشنهاد را با هدف چانه‌زنی ارائه کرده باشند؛ اما مسئله این است که آیا ترامپ نیز چنین فکری می‌کند و آماده ورود به یک روند چانه‌زنی هست یا خیر. اکنون چانه‌زنی از طریق تبادل اصلاحیه‌هایی در یک متن ممکن است به آخر خط رسیده باشد و ادامه کار از این طریق دیگر ممکن نباشد. باید دید که آیا طرفین قراری برای ملاقات مستقیم یا مذاکره غیرمستقیم خواهند گذاشت یا خیر. بعد از ملاقاتی که بین قالیباف و جسی دی ونس در اسلام‌آباد انجام شد و در نوع خود منحصربه‌فرد بود، شواهدی حاکی از اینکه ملاقات دیگری با آن ویژگی‌ها در آینده نزدیک ممکن باشد، وجود ندارد.

بدون شک، این روش مذاکراتی مکتوب بعد از نشست اسلام‌آباد حتی در مقایسه با مذاکرات غیرمستقیم تا قبل از جنگ ۴۰ روزه یک عقبگرد است. دلیل اصلی ظاهرا این است که وقتی طرفین حداقل در این مرحله اطمینانی نسبت به امکان کشایش ندارند، دلیلی هم نمی‌بینند، خود را به زحمت بیندازند. هدف تاکنون این بود که طرفین از این طریق بتوانند در قالب یک طرح یا نقشه راه یا یادداشت‌فاهم نحوه انجام مذاکرات را مشخص کنند و درباره لجستیک و دستور کار به توافق برسند؛ یعنی تاکنون در واقع مذاکره درباره نحوه مذاکره انجام می‌شد. اکنون که نتیجه‌ای از این طریق حاصل نشده، فعلا چاره‌ای نیست جز اینکه از ادامه بن‌بست صحبت کنیم و ببینیم عوارض و عواقب این بن‌بست در شرایط کنونی برای کشور چه می‌تواند باشد.

این بن‌بست در شرایطی است که به نظر می‌رسد تمرکز ترامپ تنها بر برنامه غنی‌سازی در ایران و محموله اورانیوم ۶۰ درصدی است و توجهی به برنامه‌های موشکی و منطقه‌ای ایران ندارد. این موضوعات برای اسرائیل مهم است، ولی باید توجه داشت که اسرائیل بدون مجوز آمریکا قادر به اقدام نظامی علیه ایران نخواهد بود. سؤال مهم اکنون این است که در شرایطی که مواضع دو طرف بسیار از هم دور است، ترامپ چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت. بعید به نظر می‌رسد که انجام یک جنگ تمام‌عیار دیگر در اولویت ترامپ باشد. محتمل است که او بر اعمال فشار اقتصادی و محاصره دریایی و احیاناً تلاش برای بازکردن تنگه هرمز متمرکز شود و به موازات آن نوعی از برخورد‌های نظامی یا شدت کم نیز در دستور کار او و اسرائیل قرار بگیرد. ممکن است آنها در این فکر باشند که از این پس گهگاه دست به اقدامات نظامی کوچکی مثل برخورد‌های اولیه هفته و آزمون واکنش ایران در داخل تنگه هرمز و در سواحل ایران برای گرم نگه‌داشتن جبهه نیز بزنند.

ترامپ اکنون بدون شک با بزرگ‌ترین بحران دوران ریاست جمهوری‌اش مواجه است. او به نحوی عمل کرده که راه پس و پیش را به روی خود بسته است. هرگونه عقب‌نشینی او به معنی شکستی خواهد بود که دوره ریاست‌جمهوری و میراث سیاسی‌اش را نابود خواهد کرد. در چنین شرایط خطیری او ممکن است از هر طریق دیگری جز یک جنگ تمام‌عیار که یک بار آژموده شده و حاصلی نداشته، بکوشد تا مانع رسیدن جامعه ایران به حداقلی از قرار و ثبات شود و وضعیت اقتصادی-اجتماعی همچنان در حالت تعلیق باقی بماند.

سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵
۲۴ ذی‌القعدة ۱۴۴۷
۱۲ می ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۸۳
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: عملیات هالیوودی برای نجات یک مبتلا به هانتاویروس • نمایشگاه مجازی کتاب و مصائبش • چالش دموکرات‌ها برای انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره

آیا فشار روی تنگه هرمز جغرافیای تکنولوژی در خلیج فارس را هم تغییر می‌دهد؟

نبرد تازه بر سر شاهراه داده‌ها

گزارش تئربیک راد صفحه ۶ بخوانید

پزشکیان در دیدار با فرمانده کل و جمعی از فرماندهان ارشد فراجا:

ترجیح منطقی تکمیل پیروزی نیروهای مسلح در عرصه دیپلماسی است



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید.عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

یادداشت

نبرد شریان‌ها و جغرافیای ناگزیر

ضرورت جهش ایران از مهار نظامی به اقتدار ژئواکونومیک



افشین حبیب‌زاده

داده قرار ندارد، عملا از چرخه تصمیم‌گیری‌های کلان جهانی حذف شده است. پیوندزدن امنیت تنگه هرمز به منافع اقتصادی قدرت‌های بزرگ و نوظهور، از طریق فعال‌سازی کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب، تنها راهی است که می‌تواند هزینه تعرض به ایران را به صورت خودکار افزایش دهد. بر این مبنا، قدرت ملی را نباید صرفا در توان بازراندگی نظامی جست‌وجو کرد؛ بلکه قدرت واقعی در دنیای به‌هم‌پیوسته امروز، «ناگزیربودن» یک جغرافیا برای همگان است. اگر جهان احساس کند که حذف ایران از معادلات ترانزیتی، هزینه‌ای گزاف در دوش تجارت بین‌الملل می‌گذارد، این خود مستحکم‌ترین لایه امنیتی برای تمامیت ارضی و ثبات ملی خواهد بود. با این حال، نگاهی واقع‌بینانه به وضعیت تجار جهانی با سرعتی خیره‌کننده در حال باظرطراحی است. کریدورها در جهان امروز دیگر تنها مسیرهایی برای جایبه‌جایی کالا نیستند، بلکه «هندسه قدرت» را ترسیم می‌کنند. کشوری که در مسیر جریان‌های اصلی سرمایه، کالا و

یادداشت

در چرایی «افول صنعتی»



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

و روابط و مناسبات تولید صنعتی نیافته و متأسفانه چرخ صنعت همچنان بر مدار افول چرخیده است. همین یک‌سال‌ونیم پیش بود که نتایج یک پروژه تحقیقاتی و پژوهشی با عنوان «چالش‌های صنعتی شدن از حکمرانی اقتصادی تا تحولات جهانی» در قالب سمیناری یک‌روزه در جمع نخبگان و فعالان اقتصادی و صنعتی ارائه شد؛ پروژه‌ای با سرپرستی دکتر مسعود نیلی و با حمایت بنیاد توسعه صنعتی مهندس محسن خلیلی، پیر و پیش‌گسوت صنعت ایران. دکتر مسعود نیلی هنگام ارائه این گزارش از جمله گفت: «توسعه صنعتی» مرحله‌ای از توسعه اقتصادی است و صرفا اضافه‌شدن تعداد واحدهای تولیدی نیست و عامل کلیدی برای ارتقای بهره‌وری دیگر بخش‌های اقتصادی و افزایش درآمد ملی، ایجاد اشتغال پایدار و توسعه مناسب اجتماعی محسوب می‌شود، بنابراین امر بسیار پیچیده‌ای است و «ماحصل چیدمانی خاص از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی». ایشان در آن زمان (۲۵ آذر ۱۴۰۳) براساس یافته‌های این پروژه بزرگ تحقیقاتی گفت امروز کشورمان بر سر دوراهه تاریخی قرار گرفته است: «در یک سو انقلاب صنعتی چهارم و گشایش‌های پس از آن و گذار سبز و چالش‌هایی در زنجیره‌های ارزش در حال دگرگونی قرار دارد و در سوی دیگر جنگ و خون‌ریزی و کشتار کودکان و مردم بی‌دفاع. ما به‌عنوان کشوری در کانون جغرافیایی و سیاسی درگیری‌های نظامی رو به گسترش بر سر یک دوراهی سرنوشت‌ساز قرار گرفته‌ایم؛ راه اول فروغلتیدن در کام تنش‌ها و درگیری‌ها که تخریب باقی‌مانده صنعت و اقتصاد را در پی خواهد داشت و راه دوم تلاش بسیار در راستای تطبیق با تغییرات پارادایمی ناشی از انقلاب صنعتی چهارم و محدودیت‌های محیط‌زیستی در پیش در راستای بازار فروش محصولات صادراتی کشور و در یک کلام نجات صنعت».

حالا ایجاد مسیرهای جایگزین برای دوزدن فلات ایران هستند. پروژه‌هایی نظیر کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) یا توسعه مسیرهای موازی در شمال دریای خزر، زنگ خطر جدی برای منافع ملی است. کم‌توجهی به نوسازی شبکه ریلی، کندی در توسعه بنادر استراتژیک نظیر چابهار و سردرگمی در اولویت‌بندی مسیرهای ترانزیتی، باعث شده است که ظرفیت‌های بی‌بдил ایران در حوزه لجستیک، فراتر از جایگاه فعلی، نیازمند یک نوسازی جدی و جهش زیرساختی باشد. این سستی در بهره‌برداری حداکتری، نه محصول یک جناح خاص، بلکه نتیجه لزوم بازتعریف اولویت‌های ملی در مواجهه با کریدورها صرفا یک پروژه مهندسی و عمرانی نیست، بلکه پیش‌نیاز آن، یک تحول دیپلماتیک» است. کریدورها در خلا رشد نمی‌کنند؛ آنها نیازمند محیطی هستند که در آن «اعتماد» به‌عنوان اصلی‌ترین روان‌کننده مبادلات عمل کند.

در اینجا با یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ملی روبه‌رو هستیم؛ چگونه می‌توان ایران را به‌عنوان یک شرکک پیش‌بینی‌پذیر و مطمئن به جهان معرفی کرد؟ تقلیل پیوندهای راهبردی سیاسی، خواسته یا ناخواسته، سمی مهلک برای ظرفیت‌های ژئوپلیتیک ماست. تا زمانی که تصویر ایران در عرصه بین‌المللی با تهدید پنداشت‌ن منافع دیگران گره خورده باشد، هیچ بازیگر بزرگی حاضر نخواهد بود شریان‌های اصلی تجارت خود را از این جغرافیا عبور دهد.

ادامه در صفحه ۴



محمد کشاورزاده در گفت‌وگوبا «شرق»
سفر ترامپ به چین و دیدارش با شی جین‌پینگ
بر آینده جنگ ایران را بررسی می‌کند

صلح پشت دیوار چین

برگزیده‌ها

رئیس جمهوری آمریکا در سفر به چین پرونده ایران، تایوان و جنگ تجاری را بررسی می‌کند

سایه بحران هرمز بر نشست پکن

گزارش «شرق» از شرایط زندگی بیمارانی که داروهای مصرفی شان در بازار یافت نمی‌شود

از وارفارین تا انسولین

شکل‌های زندگی: نومحافظه‌کاری از منظر لیبرال

چرا محافظه‌کار نیستیم؟

ناتوانی بنگاه‌های اقتصادی در پرداخت هزینه‌ها به اخراج کارگران باسابقه با مزد بالاتر رسید

موج بیکاری متخصصان

نکته

خاطره ایران

یادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

پرویزخان، ایران و تصمیم نیمه دوم

یادداشتی از نفیسه زارع‌کهن

یادداشت

کیش و مات در ایران

محمدحسین عمادی

رابرت کیگن (Robert Kagan) دیروز در شماره دهم ماه می مجله آتلانتیک (The Atlantic) مقاله‌ای نوشته با عنوان: «کیش/مات» در ایران «Checkmate in Iran». او در این مقاله مشروحا استدلال می‌کند که ایالات متحده و اسرائیل، صرف‌نظر از ضربات اولیه و ادامه درگیری‌های خسارت‌بار نظامی، عملا در تقابل راهبردی با ایران شکست خورده‌اند و دیگر قادر نیستند پیام‌های ای بحران را کنترل یا معکوس کنند. نویسنده مقاله را با این ایده آغاز می‌کند که برخی شکست‌ها در تاریخ آمریکا مقطعی و موقتی بوده‌اند؛ مانند حمله زاین به پرل هاربر، شکست در ویتنام یا افغانستان که هرچند برهزینه‌برنده بودند، اما موفقیت جهانی آمریکا را به طور بنیادین نابود نکردند، اما کیگن معتقد است بحران فعلی با ایران متفاوت است؛ زیرا این بار شکست در قلب نظم ژئوپلیتیک و انرژی جهان رخ داده و آثار آن پایدار خواهد بود. او می‌گوید دیگر بازگشتی به وضعیت پیشین وجود ندارد. به نظر او، مهم‌ترین نشانه این شکست، ازدست‌رفتن کنترل مؤثر آمریکا بر تنگه هرمز است؛ آبراهی که بخش بزرگی از صادرات نفت جهان از آن عبور می‌کند. مقاله توضیح می‌دهد که ایران توانسته با هزینه‌ای نسبتا محدود، عبور و مرور در این منطقه را مختل یا تهدید کند و به بازار جهانی انرژی شوک وارد کند. این وضعیت نشان داده که حتی قدرت دریایی عظیم آمریکا هم نمی‌تواند امنیت کامل این مسیر را تضمین کند. نتیجه، افزایش قیمت انرژی، نگرانی متحدان آمریکا و تضعیف اعتماد جهانی به توان بازراندگی واشنگتن است.

تجدید فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)

شماره:۰۹۱۴۵۹۲۷۷

رجوع به صفحه ۵

روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه ای خوزستان